

## شهر اسلامی: تخیل یا واقعیت<sup>۱</sup>

مرضیه پورمحمدی\* - پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران  
سید حسین بحرینی - دکتری طراحی شهری، استاد شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
زهره داودپور - دکتری شهرسازی، استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹

### چکیده

شهر اسلامی واژه‌ای است که شرق شناسان، عمدتاً فرانسوی، با مطالعه کالبدی شهرهای شمال آفریقا، آن را جعل کرده اند و پاره‌ای از ویژگی‌ها را، درباره‌ی شهرهایی که با آن برخورد داشتند (نه همه‌ی شهرهای مسلمانان) بیان نمودند، به شهر اسلامی نسبت دادند در صورتی که این ویژگی‌ها برخی به اقلیم بر می‌گردد و برخی به هم آمیختگی فرهنگ و آداب و رسوم سرزمینی با فرهنگ اسلامی باز می‌گردد که هیچ کدام ارتباط مستقیم با آموزه‌های تکوینی و تشریحی جهان بینی اسلامی ندارد. برای بررسی مفهوم شهر در دین اسلام باید به مهمترین کتاب آن یعنی قرآن کریم و همچنین سنت (قول و فعل اهل بیت) پرداخته شود تا شاید بتوان ویژگی‌های تکوینی و تشریحی شهر اسلامی را دریافت. در این مقاله برای کاوش در مفهوم شهر از روش پدیدارشناسی و تأویل متن استفاده شد و چهار مفهوم (بلد، قریه، مدینه و مصر) از کتاب مبین برای شهر استخراج گردید که ویژگی‌های این مفهوم توسط تفاسیر علمای مطرح دین و بررسی روایات مربوطه توسط آنها روشن و تکمیل شد و این ویژگی‌ها با نظریات شرق شناسان درباره‌ی شهر اسلامی و با نظریات جدید شهرسازی در جهان و همچنین با ویژگی‌های شهر معاصر (اسلامی) مقایسه و تطبیق گردید. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در شریعت اسلامی برای نحوه‌ی زیست انسان‌ها و سبک زندگی آنها دستورالعمل‌های مشخص وجود دارد که تعیین کننده‌ی شرایط زیست آنها در شهر می‌شوند و در نهایت شهر تحت تأثیر این شیوه‌ی زیست و سبک زندگی شکل می‌گیرد و کالبد آن را در کنار عوامل دیگر (فرهنگی، جغرافیایی و ...) می‌سازد. آنچه امروزه شهر اسلامی نامیده می‌شود، بسیار دور از آموزه‌های یاد شده است و نمی‌تواند شهر اسلامی باشد. شهری اسلامی است که هم ظاهر آن و هم باطن آن (اخلاق و رفتار مردم) اسلامی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** شهر، اسلام، شرق شناسی، نظریه‌های جدید شهرسازی، آرمان شهر

<sup>۱</sup> پژوهش حاضر مستخرج از رساله دکتری مرضیه پورمحمدی با عنوان واکاوی مفهوم شهر اسلامی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد قزوین به راهنمایی آقای دکتر سید محسن حبیبی و مشاوره آقای دکتر سید حسین بحرینی و خانم زهره داودپور است.

\* نویسنده مسئول  
Email: [d.pour.m@gmail.com](mailto:d.pour.m@gmail.com)

ارجاع به این مقاله:

## بیان مسأله

در هر دوره ای و زیر سلطه ی هر پارادایم و رژیم فکری غالب، شهری رخ می نماید. شهر از دل افکار، پندار، اندیشه، ایدئولوژی، رفتار و در نهایت عمل زاده می شود و به منصفه ی ظهور می رسد. شهرهای نخستین، شهر ایرانی دوران قبل از اسلام، شهر برده دار و شهروندمحور یونان و رُم، شهر قرون وسطائی اروپائی؛، شهر عصر تاریکی و شهر عصر روشنگری و رنسانس، شهر انقلاب صنعتی و وقایع پس از آن، شهر سرمایه داری، شهر عصر مدرن، شهر سوسیالیست، آرمانشهر کمونیسم، شهری فراتر از شهر<sup>۱</sup> و حال شهر بی شهر؛ شهری بدون نام و نشان و بدون حد و مرز، شهر قطب ها و کریدورها. هر یک از این شهرها تاکنون از دل یک فلسفه و ایدئولوژی خارج شده است و تحقق یافته است.

بنابراین با توجه به آنچه از آغاز تا کنون طبق یک روال طبیعی در جهان رخ داده است، هر اندیشه ی مانایی برای خود شهر داشته است. شهری با ویژگی های خاص، شهری سفید، سیاه یا خاکستری؛ شهری کوچک، متوسط و یا بزرگ؛ شهری افقی یا عمودی؛ شهری روی زمین، زیر زمین یا در آسمان و زیرآبها؛ شهری این جهانی یا آن جهانی؛ مدینه فاضله یا مدینه ضاله. در اینجا این سوال مطرح می شود که آیا ادیان آسمانی به عنوان یک ایدئولوژی و فراپارادایم، اصول و مبانی درباره ی شهر دارند که بر اساس آنها شهر شکل بگیرد. آیا دین هم مانند سایر افکار و اندیشه ها، نظریاتی در باب شهر و شهرسازی دارد؟ اگر دارد، چگونه و در چه وجهی است؟. آیا یکی از دغدغه های جدی اندیشمندان مسلمان (اسلام) باید شهر باشد و اشاراتی (کلی یا جزئی) در این باب باید در متون این متفکرین اسلامی وجود داشته باشد؟

شهر جایی است برای زندگی و زندگی مهمترین رکن حیات بشری است. با زندگی کردن است که گذشته، حال و آینده انسان رقم می خورد و دنیا و آخرت او شکل می گیرد. شهر محملی است برای این زندگی و ظرفی است برای تحقق آن. و اگر قبول داشته باشیم که ظرف بر مظلوف تاثیر می گذارد، پس شهر بر شیوه ی زندگی انسان و نحوه ی برخورد او با عالم اثر می گذارد و او را به سمت خیر یا شر می برد. پس شهر علی الاصول جای با اهمیتی است که بی تفاوت نمی توان از کنار آن گذشت و غایت و آرمانی (کیفیت مطلوبی) برای آن در نظر نگرفت و ویژگی ها و حالات آن را بیان نکرد؛ چون که نمی توان انتظار داشت از یک مدینه ضاله، انسان های سالم و پرهیزگار خارج شود و از مدینه فاضله، انسان های فاسق و البته منکر استثناء نیز نمی توان شد. بنابراین با توجه به این شرایط و گفته ها، هر مذهب و مکتب و جامعه ای شهری مختص به خود را می اندیشد و تحقق می بخشد؛ این مقاله بر آن است که شرح شهر در قرآن از دریچه ی نگاه و اندیشه ی متفکرین شیعی (علمای حوزوی) معاصر در ایران را با اندیشه ی شرق شناسان درباره ی شهر اسلامی و همچنین نظریات جدید شهرسازی در غرب مقایسه کند و این نظریات را با یکدیگر تطبیق دهد. بنابراین به طور اخص روی اندیشه های علامه طباطبائی (صاحب تفسیر المیزان) و شاگردان او (آیت ... جوادی آملی و ...)، همچنین سلسله دروس فقه نظام عمران شهری آیت الله محسن اراکی و ... متمرکز می شود و این اندیشه ها با نظریات افراد برون مرزی نظیر نجم الدین بemat، ابولوقود، الصیاد، ریموند، بسیم سلیم حکیم و همچنین نظریات جدید شهرسازی مقایسه و تطبیق می شود و شهر از دل نظریات آنها استخراج می شود و این شهر با شهر معاصر در نهایت مقایسه و مورد ارزیابی قرار می گیرد.

## مبانی نظری

### شرق شناسی و "شهر اسلامی"

رواج تعبیر "شهر اسلامی" و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان به ویژه "شهر اسلامی" نامیده شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان نشین بر این فرض استوار است که این شهرها، از نظر کالبدی، مظهر تجلی خاصی از اصول و تراوش های جهان بینی اسلامی بوده و به این ترتیب، از شهرهای سایر تمدن ها و فرهنگ ها متمایز می باشند. ریموند (۲۰۰۵) می گوید: پس از استعمار مغرب (شمال غربی قاره آفریقا) توسط فرانسه در قرن نوزدهم و تحت سلطه قرار گرفتن سوریه بعد از جنگ جهانی دوم، مطالعات منطقه ای وسیعی در ارتباط با نیازهای اداری - استعماری انجام گرفت. نتیجه این مطالعات ترسیم نقشه های دقیق شهری و بناها، و کشف و توصیف نظام های سیاسی دینی و اقتصادی در شهرهای مناطق مذکور

<sup>۱</sup>. Urban

بود (نقل در فلاح، ۱۳۹۰). هاندا (۱۹۹۴) بیان می کند: در طول این دوره استعماری مفهوم "شهر اسلامی" به موضوعی مهم در میان پژوهشگران اروپایی تبدیل گشت (نقل در فلاح، ۱۳۹۰، ۳۵) و در نهایت پس از دهه ۱۹۲۰ تعدادی از شرق شناسان فرانسوی برای اولین بار اصطلاح "شهر اسلامی" را جعل کردند. در حقیقت ظهور این گرایش و تعریف "شهر اسلامی" در شمال آفریقا و در مطالعات شهری مغرب (شمال غربی آفریقا) در مکتب شرق شناسان الجزیره اتفاق افتاد و به دنبال آن مطالعات بعدی با ذهنیت های مشابه تا دوره های بعدی ادامه پیدا کرد (فلاح، ۱۳۹۰، ۳۶).

نظریه "شهراسلامی" به انحاء مختلف توسط افرادی با دیدگاه های گوناگون مورد تأیید یا نقد و حتی انکار قرار می گیرد و "علی رغم آنکه به تناسب و در مواضع و جایگاه های گوناگون، افراد بسیاری (از جوامع علمی، آموزشی، مدیریتی، حرفه ای و اجرایی) از "شهر اسلامی" سخن می گویند، اما تعریف متفق القولی از این موضوع و اثر بسیار مهم در دسترس نیست". علت اصلی این تنوع و تکثر آراء را نیز شاید بتوان در مبنای فکری و میزان تسلط افراد بر تعالیم و جهان بینی توحیدی اسلام دانست. افزون بر این که اشتباهاتی چون "جهان اسلام را مترداف با جهان عرب دانستن"، "عدم توجه به امکانات تجلی متفاوت تعالیم اسلام در زمان ها و مکان های متفاوت"، "بی توجهی به آثار ناشی از جامعیت و جاودانگی و جهانی بودن اسلام" از سوئی و "ملی گرایی های افراطی" از سوی دیگر در ارائه این نظریات مؤثر بوده اند (نقی زاده، ۱۳۸۹، ۱-۲).

روش کلی محققین غربی در سال های نخست قرن بیستم توجه به اسلام به عنوان پایه ای برای تفسیر ریخت شناسی شهری بود. با این وجود، این پایه چندان گسترده نبود و عمدتاً به تحلیل توصیفی از فرم و سازمان شهری و طرح معماری وابسته بود. اتکای اولیه به اسلام به عنوان مبنایی برای تحلیل، اساساً منطقی بود. با این حال نتایج کار آنان به مقدار زیادی به جهت روش شناسی دچار اعوجاج شد (دانش، ۱۳۸۹، ۱۶). آنها عمدتاً نوعی تحلیل توصیفی از نمود کالبدی شهر را بدون تحلیل فرآیند ساخت و ساز آن مورد متابعت قرار دادند (حکیم، ۱۳۸۱، ۳۵۹-۳۶۰) آشکار است که بیشتر مطالعات انجام شده توسط شرق شناسان، متأسفانه یک تحلیل درست و ناظر بر شهر اسلامی را از خود بر جای نگذاشته اند. دلیل این امر را شاید بتوان در عدم شناخت کافی ایشان از مبنای بنیادی دین اسلام و منابع اصلی جهان بینی اسلامی دانست (فرجام، ۱۳۹۰، ۲۸).

جدول ۱. سیر تحول مطالعات مربوط به مفهوم "شهر اسلامی"

نوع نگرش	محققان شاخص	نقاط قوت	نقاط ضعف
دوره اول	مکتب مغرب: مطالعات بر مبنای شهرهای مغرب و شمال آفریقا مکتب دمشق: مطالعات بر مبنای شهرهای خاورمیانه ترکیب و تلخیص دو مکتب	برادران مارشه روبرت برونشویک، ۱۹۴۷ لو تورنه شروع مطالعه علمی بر روی شهر اسلامی مطالعات میدانی وسیع بر روی تعدادی از "شهرهای اسلامی"	جعل مفهوم "شهراسلامی" در اوایل قرن بیستم فهم و بیان فرمال از "شهراسلامی" مقایسه با شهرهای کلاسیک و قرون وسطایی اروپایی - تعمیم دهی خصوصیات براساس نمونه های معدود - تأثیر پذیری از تفکر شرق شناسان کلاسیک - خوانش "شهراسلامی" خارج از متن اجتماعی سیاسی و فرهنگی و بستر زندگی واقعی
دوره دوم	نگرش های تجدید نظر طلبانه	لایپدوس ۱۹۶۹ هورانی ۱۹۷۰ راون ۱۹۷۰ کاهن، بویرت ۱۹۷۵	- بازنگری نظرات قبلی در اوایل دهه ۱۹۶۰ - طرح زوایای جدید در نگرش به شهر - تأکید بیشتر بر مطالعات فرهنگی و اجتماعی و نهادهای شهری - توجه به جامعه و ساختار جامعه شهری به عنوان متن مطالعه "شهراسلامی" - طرح سؤالاتی کلیدی در میزان اعتبار صفت "اسلامی" برای شهرها
دوره سوم	نگرش های منتقد، نو و بومی گرایانه	ابولوقد ۱۹۸۷ الصیاد ۱۹۹۱ ریموند ۱۹۹۴ و ۲۰۰۵	- نقد پایه ای دوره اول و دوره دوم - حضور فعال تر نظریه پردازان بومی و تأکید بر خوانش شهر بر مبنای منابع اصلی و اولیه - پیشنهاد روش و نگاه نو برای مطالعه شهر - شکستن چارچوب های صلب و قطعی پیشین - شروع توصیف جامع و چندبعدی "شهرهای اسلامی" - تلاش برای فهم شهر اسلامی به طور مستقل و بی نیاز از مقایسه با شهر اروپایی

تدوین و استخراج: نگارنده از (فلاح، ۱۳۹۰؛ و عمران زاده، ۱۳۹۴ و سجادیان و صفایی پور، ۱۳۹۴)

با توجه به سیر تاریخی نظریات شرق شناسان پیرامون شهر اسلامی، این نظریات بیشتر حول محور کالبد و ویژگی های کالبدی شهر اسلامی می چرخد و تحلیل های منطقی و درستی از شهراسلامی و ویژگی های اجتماعی آن صورت نگرفته است.

### نظریات اندیشمندان داخلی

از سوی دیگر در سال های اخیر، تحقیقاتی درباره ی شهر اسلامی، واژه ی جعل شده توسط شرق شناسان، در بین متخصصین داخلی و بومی نیز صورت گرفته است که برخی از کالبد به مبانی شهر اسلامی رسیده اند و رابطه ای میان آنها برقرار کرده اند و برخی دیگر از مبانی اسلام به ویژگی های کالبدی شهر اسلامی نائل آمده اند. بنابراین نتایج تحقیقات داخلی در چند طیف قابل دسته بندی می باشد:

۱- نظریه های کالبد محور

۲- نظریه های محتوا محور

در نظریه های "کالبدمحور"، نظریات محققین بر این اصل استوار است که با اسلامی کردن چهره ی شهر، می توان به حقیقت شهر اسلامی دست یافت. بنابراین این گروه به دنبال ویژگی های کالبدی شهر و مشخصات آن از درون بافت تاریخی شهرهای اسلامی می باشند تا از طریق عناصر کالبدی، شهر خود را اسلامی کنند و از راه ظاهر به باطن شهر دسترسی پیدا کنند. در نظریات "محتوا محور"، اندیشمندان به دنبال ویژگی های شهر اسلامی از متون اصیل اسلامی (قرآن و روایت) می گردند. این گروه معتقدند که باید از باطن به ظاهر شهر رسید و باید ویژگی های شهر را از مبانی اسلامی استخراج کرد و شهر را بر این اساس شکل داد.

این مقاله رویکرد دوم را انتخاب کرده و برای رسیدن به شهر اسلامی، از قرآن و روایت برای فهم مفهوم شهر استفاده کرده است. در داخل کشور گروهی از اندیشمندان در دانشگاه و گروهی در حوزه علمیه مشغول استخراج مفاهیم و ویژگیهای شهر اسلامی می باشند. در دانشگاه دکتر محمد نقی زاده و در حوزه، آیت الله محسن اراکی پیشگامان و پیشروان این عرصه می باشند.

آیت الله اراکی از اندیشمندان داخلی و علمای حوزوی است که در چندسال اخیر در حوزه فقه به نظام عمران شهری ورود یافته است و نظریاتی را در باب کلیات نظام عمران شهری و اصول کلی کاربری های شهری در فقه اسلامی تبیین نموده است که به شرح زیر می باشد:

۱- مناطق شهری بر سه دسته اند: محله ها؛ مرکز شهر؛ حومه شهر. (حدوده محله چهل خانه از مسجد محله در هر جهت می باشد و مسجد محله، مرکز محله می باشد/مساحت کلی شهر یعنی قطر کلی شهر؛ ۱۲ مایل یعنی ۴ فرسخ می باشد/ محدوده حومه شهر فاصله ی چهار فرسخ از محدوده ی اصلی شهر می باشد/همچنین مرکز شهر مسجد اعظم یا مسجد جامع شهر می باشد.)

۲- خدمات شهری نیز به تناسب این سه منطقه بر سه دسته اند: خدمات موردنیاز ساکنان محله؛ خدمات موردنیاز عامه ی مردم شهر؛ خدمات موردنیاز عابران و مسافران عبوری .

۳- لزوم رعایت حریم در ابنیه و مساکن و راه ها و ... : قاعده ی لاضرر و لاضرار

۴- وسعت فضای کار و زندگی شرعاً مطلوب است: مسکن محل سکونت و آرامش است بنابراین وسعت مسکن مطلوب می باشد.

۵- ساختمان های شهری باید در جهت افقی باشد نه عمودی زیرا باز بودن فضای دید(ارتباط مردم با فضای آسمان و آیات الهی) مطلوب می باشد و همچنین اشراف بر سایر ساختمانها مذموم می باشد بنابراین باید از ارتقای غیرضروری پرهیز کرد (نهی بلندمرتبه سازی).

۶- تقسیم راه ها به سه نوع اصلی: راه های درون شهری(اصلی و فرعی)- راه های برون شهری(اصلی و فرعی)- راه های محیط شهری

۷- ضوابط و قواعد راه ها: سعه ی راه ها- منع سد طریق و حرمت ایجاد مزاحمت برای عابران - جداسازی راه سواره و پیاده- ایجاد مراکز خدمات رسانی به عابران در میان راه ها- رعایت حریم راه

۸- ممنوعیت شرعی آسیب رسانی به سلامت جامعه: با توجه به مطلوبیت شرعی صرفه جویی و همچنین ممنوعیت شرعی آسیب رسانی به سلامت جامعه و ضرورت ایجاد محیط بهداشتی مناسب و آرام برای زندگی شهری لازم است ساکنان بتوانند بدون نیاز به استفاده از وسایل نقلیه به مراکز خدماتی مورد نیاز رفت و آمد کرده و نیازهای خود را برآورده سازند.

- ۹- لزوم تعیین محل های مناسب برای استقرار وسایل نقلیه
- ۱۰- ضرورت بهره برداری از دام های اهلی در زندگی شهری و ضرورت ایجاد راه ها و خدمات لازم برای وسایل نقلیه طبیعی نظیر اسب و استر و قاطر و درشکه
- ۱۱- ضرورت رعایت امنیت در عمران شهری: امنیت فیزیکی(جانی و مالی و عرضی) و امنیت اخلاقی و امنیت معنوی واحد های مسکونی
- ۱۲- ضرورت اجتناب تراکم واحد های مسکونی و عدم مطلوبیت ساختمان بیش از حد نیاز
- ۱۳- مطلوبیت زیبایی در محیط زندگی شهری
- ۱۴- ضرورت ایجاد فضای سبز
- ۱۵- رنگ های برتر و کاربرد آن در سطح شهر: سبز و سفید و قرمز(مگر موارد استثناء)
- ۱۶- لزوم رعایت نظافت در محیط زندگی شهری
- ۱۷- ممنوعیت بیگانه گرایی در عمران شهری: نمادها، علائم و اشکال باید متناسب با جان ارزشی شهر و زیرساخت های فرهنگی آن باشد.
- ۱۸- ضرورت تناسب بین قالب شهر با جان و روح شهر(اراک، ۱۳۹۷، ۲۵۲-۲۶۱).

نقی زاده نیز اذعان دارد که برای ظهور شهر اسلامی، همانند ظهور هر شهری، انطباق و هم‌پوشانی سه "فضا" یا سه عنصر، به عنوان "ارکان" آن ضرورت دارد. این سه فضا عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای کالبدی. در حقیقت شهر اسلامی فقط کالبد نیست و علاوه بر "کالبد" دو مقوله مهم دیگر نیز در تعریف شهر اسلامی و تجلی آن ایفای نقش می‌کنند. اصلی‌ترین عنصر، انسان(یا مومن) است که البته مهمترین مقوله مربوط به او نیز وجه فکری یا به عبارتی وجه ایمانی اوست. عنصر بعدی "قوانین" حاکم بر شهر و بر همه روابطی است که بین انسان‌ها(اعم از مدیر شهر و اهل شهر) و طبیعت و آثار انسانی حاکم اند. عمل و رفتار مسلمانان(اهل شهر اعم از مدیران یا شهروندان) در این فضا شکل می‌گیرد. عنصر سوم "کالبد شهر" می باشد که متأثر از دو عامل دیگر به اضافه شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی، علمی و هنری است. (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۶). بنابراین مهمترین عامل شکل دهنده ی شکل شهر در شهر اسلامی انسان مومن می باشد که با هنجارها و رفتارهای خود(متأثر از پیش توحیدی) شهر را می‌سازد. او جدیدترین نظریات خود درباره ی شهر اسلامی را در کتاب از اندیشه تا ظهور اسلامی در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسانده است.

اندیشمندی نظیر فرجام (۱۳۹۰)، ایازی (۱۳۸۷)، برقی و تقدیسی و دانش و تقوایی، و خدایی و ... نیز در عرصه شهر اسلامی در داخل کار کرده اند که ویژگی های شهر اسلامی از دریچه ی نگاه آنان و با توجه به آیات و تفاسیر و روایات (اصول کافی، صحیفه سجادیه، نهج البلاغه و ...) بدین شرح می باشد:

#### جدول ۲. ویژگی شهر اسلامی از نگاه اندیشمندان بومی (با توجه به آیات و روایات)

۱- محل عبادت و مرکز نشر توحید اسلامی	۱۵- برخورداری از نظم و برنامه و تدبیر در امور شهری
۲- اشاعه معنویت و دین ورزی	۱۶- توسعه فضاهای عمومی و توجه به این امر
۳- امنیت	۱۷- تساوی در اعمال حقوق شهروندی برای همگان
۴- رزق فراوان و ارزان	۱۸- شهر به عنوان یک اجتماع کامل از طریق عقد پیمان برادری
۵- دارای حرمت، کرامت و اعتبار	۱۹- خوش رفتاری با همسایه وسیله آبادانی شهر
۶- مکانی پر جنب و جوش و کانون فعالی از حیات و زندگی	۲۰- ساخت مسجد جهت انجام امور مربوط به دین و دنیای مردم.
۷- دسترسی آسان به خدمات و امکانات زیربنایی	۲۱- شغل مردم در شهر خودشان باشد نه در شهرهای اطراف(خودکفایی و استقلال)
۸- عمران و آبادانی	۲۲- استفاده از قواعد لاضرر، اتلاف، اتقان، عدالت و ... به عنوان اصول
۹- محیط زیست سالم	قوانین شهری: قاعده ی لاضرر بر تمامی قواعد شهری ارجحیت دارد و در صورتی که با انجام عملی به گروهی ضرر وارد می شود، آن عمل مضر و ممنوع اعلام می شود.
۱۰- فقدان فاصله طبقاتی	
۱۱- کسب و کار و تجارت حلال	
۱۲- آزادی بیان و عقیده	
۱۳- سکونت پرهیزگاران و دانشمندان	
۱۴- زمامداری حکیمان خردمند (رهبری بر حق): خوش رفتاری با مردم، آبادانی زمین و اصلاح اهلس، گرفتن مالیات و خراج و مدارا و سازش در اخذ آن، اجرای عدالت، مشورت با عاقلان و عادلان.	

با توجه به آنچه گفته شد، نگاه اندیشمندان مسلمان بومی (داخلی) بیشتر بر آیات و روایات مربوط به شهر (متون محور) متمرکز بود این در حالی است که نگاه شرق شناسان بیشتر کالبد محور (بررسی عناصر فرمال شهر) و در عین حال بدبینانه بود. در نگاه اکثر شرق شناسان خوانش "شهر اسلامی" به صورت یک ابژه خارج از متن اجتماعی سیاسی و فرهنگی و خارج از بعد زمان، یعنی شهر جدا از دنیای زندگی شده اش، انجام شده است. و بیشتر مقایسه تطبیقی با شهرهای اروپایی صورت گرفته است در صورتی که برخی از اندیشمندان اسلامی (حوزوی و دانشگاهی) از متون اصلی اسلام و همچنین سبک زندگی پیامبر و مدینه النبی، ویژگی های مربوط به شهر را استخراج نمودند و تاکید آنها بیشتر بر سبک زندگی جامعه مسلمان و شیوه ی اخلاق و رفتار آنها می باشد که در نهایت از طریق سبک زندگی اسلامی به تدریج کالبد شهر مورد نیاز آن نیز شکل خواهد گرفت. بنابراین با توجه به پژوهش های انجام شده، نظریات شرق شناسان بیشتر بر روی ویژگی های کالبدی شهر نظیر بازار و مسجد و مدرسه و محله متمرکز بود در صورتی که آنچه توسط اندیشمندان بومی محتوا محور در خصوص شهر اسلامی از قرآن و روایات استخراج شده بود، بیشتر به سبک زندگی مربوط می شد؛ البته این گونه مطالعات نیز که به نوبه خود به صورت عمیق و تحلیلی به مفهوم شهر پرداخته باشد اندک است و جای کار بسیار دارد که موضوع این مقاله و این پژوهش در این زمینه می باشد.

## روش پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر، به صورت ترکیبی از روش های پدیدارشناسانه (اول شخص و هرمنوتیک) می باشد که از طریق آن به توصیف- تشریح و تحلیل پدیده ی شهر پرداخته می شود و "چون متناسب با پدیده و به تعداد پدیدارشناسان، روش تحقیق پدیدارشناسی موجود است" (پرتوی، ۱۳۹۲) و راه های زیادی برای تاویل (هرمنوتیک) متن و تحلیل محتوا وجود دارد، از این رو در این تحقیق، از روش تفسیری- تاویلی برای رجوع به قرآن به عنوان اصلی ترین منبع این پژوهش استفاده شد و تفسیر المیزان به عنوان راه وصول به فهم آیات قرآن انتخاب گردید. در این تحقیق به روش علامه در المیزان (تفسیر ایه به ایه) از آیات قرآن و ارتباط آنها با یکدیگر بهره گرفته می شود و آیات به صورت تک ایه ای و منفرد بررسی نشده بلکه در قالب شبکه ای و حلقه وار در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و مفهوم واژه شهر از دل آنها استخراج شده است. بنابراین در این روش از تک ایه بدون دقت در آیات مشابه و مکمل آن و همچنین آیات قبل و بعد آن که توضیح دهنده ی آن است، استفاده نشده است. بعد از اینکه ویژگی های شهر از دل قرآن و روایات مربوطه استخراج گردید، این ویژگی ها در تطبیق با آرای مطروحه در مفاتیح الحیاه آیت اله جوادی آملی، شهر اسلامی دکتر نقی زاده و فقه نظام عمران شهری آیت اله اراکی، تدقیق و تکمیل گردید. نتیجه حاصله با نظریه های مطرح جهانی در زمینه شهرسازی و همچنین ویژگی شهرهای معاصر انطباق داده شد تا معلوم گردد کدامین ویژگی ها با اصول و مبانی مستخرج از متون شرع اسلام تطابق دارد و چه ویژگی هایی با آن مغایرت دارد؟ و شهر آرمانی از نگاه شریعت اسلامی چگونه است؟

روند کار انجام شده به شرح زیر است:

- ۱- جمع آوری آیات مربوط به شهر (عین واژه و واژه های مکمل) و بررسی تفاسیر مختلف علی الخصوص تفسیر المیزان
- ۲- مشاهده آیات قبل و بعد آیات مربوطه برای فهمیدن و درک بیشتر مفاهیم آیات و ارتباط موضوعات با هم.
- ۳- استخراج تعاریف و ویژگی های مربوط به بلد و قریه و مدینه از دل آیات.
- ۴- تکمیل ویژگی های شهر با کتاب های معاصر نظیر مفاتیح الحیات و کتاب شهر اسلامی از اندیشه تا ظهور و کتاب فقه نظام عمران شهری
- ۵- مقایسه و تطبیق ویژگی های بلد و قریه در قرآن و روایات با نظریات شرق شناسان و نظریه های جدید شهرسازی و شهرهای معاصر.

## یافته های پژوهش

## واژگان مترادف با شهر در قرآن کریم

## ۱- بلد

اولین واژه ای که به عنوان واژه مترادف شهر در نظر گرفته شد، واژه بلد می باشد. این واژه بیشتر کاربرد منطقه ای و بومی دارد و در واقع شامل شهر و حومه آن می شود (آل عمران: ۱۹۶؛ غافر: ۴؛ ق: ۳۶؛ فجر: ۸ و ۱۱؛ اعراف: ۵۷ و ۵۸؛ نحل: ۷؛ ابراهیم: ۳۵؛ فاطر: ۹ و بلد: ۱-۲). در یک جستجوی عمیق در آیات و تفاسیر آن، ایاتی که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به واژه بلد اشاره کرده بودند، استخراج شد. در این مسیر از روش آیه به آیه که روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان است، استفاده شده است. این روش برای روشن شدن مفهوم یک آیه از آیات دیگر که این مفهوم را رمزگشایی می کند، استفاده می کند. هم چنین در بررسی انجام شده آیات قبل و بعد آیه مربوطه نیز مورد بررسی قرار گرفت تا ویژگی شهر با تمام شرایط و نمودها و جنبه های آن دیده شود و به توصیف درآید. جدول شماره سه به ایاتی می پردازد که عین واژه بلد در آن آمده است. بنابراین با توجه به آیات ذکرشده، بلد، مدینه فاضله ای است که حکومت حق در آن استقرار یافته است و مردم آن نیز حق جو و حق پرست (ایمان به خدای یگانه و تمامی پیامبران او) هستند و همه چه حاکم و چه شهروند عادلانه و بر اساس مشی توحیدی عمل می کنند و حیات پاک و طیب در این شهر استقرار و جریان دارد. فقط در یکجا آن هم سوره فجر خدا از بلدی نام می برد که دارای بناهای مستحکم و ستون دار و بلند بوده است که به واسطه طغیان و فساد عذاب بر آن نازل شده است و از ویژگی های بلد طیب و پاک خارج شده است؛ وگرنه در سایر موارد بلد، بلد امین و طیبه می باشد.

## جدول ۳. آیاتی که واژه بلد در آن صریحاً آمده است

شماره	ویژگی	آیات مربوط به خود واژگان بلد (عین واژه)
۱	امنیت	۱۲۹-۱۲۵ بقره، ۳۵-۴۱ ابراهیم / ۹۶-۹۷ آل عمران / ۵۷-۷۵ قصص / ۶۱-۶۹ عنکبوت (۶۷) / ۳۶ ق
۲	ثمرات بی حساب (روزی فراوان) تعلق نعمات خداوند به بلد پاک	۱۲۹-۱۲۵ بقره / ۳۵-۴۱ ابراهیم / ۹۶-۹۷ آل عمران / ۵۴-۵۸ اعراف / ۷۵-۵۷ قصص
۳	ایمان مردم به خداوند و پرستیدن او	۱۲۹-۱۲۵ بقره / ۳۵-۴۱ ابراهیم / ۵۴-۵۸ اعراف / ۷۵-۵۷ قصص
۴	برپایی نماز	۴۱-۳۵ ابراهیم /
۵	عدم پرستش بت (عدم شرک)	۴۱-۳۵ ابراهیم /
۶	انس مردم با هم (مهربانی)	۴۱-۳۵ ابراهیم /
۷	شکر نعمت های خداوند	۵۴-۵۸ اعراف
۸	بلد محترم است به واسطه (خودش / بندگانش یا مکانش؟) / سوگند به بلد	۹۱ نمل، ۱-۲۰ بلد (احترام به واسطه ی بندگان)، ۱-۳ تین
۹	زنده شدن بلد توسط نزول باران (آب پربرکت) و رویدن انواع گیاهان (باغها و دانه های دروکردنی)	۱۴-۱ زخرف، ۱-۱۴ ق
۱۰	بلد با بناهای مستحکم و طغیان و فساد در آن و نزول عذاب بر بلد	۱-۳۰ فجر
۱۱	قوت، نصرت، امنیت و روزی پاک ویژگی بلد	۲۶ انفال

## قریه

دومین واژه ای که به عنوان واژه مترادف شهر در نظر گرفته شد، واژه قریه می باشد و تمام مسیری که در توصیف بلد ذکر شد، عیناً برای قریه نیز طی شده است. در تعریف قریه آمده است: "قریه" در اصل از ماده "قری" (بر وزن نهی) به معنی "جمع شدن" آمده، و چون قریه مرکز اجتماع افراد بشر است، این نام بر آن اطلاق شده است، از اینجا روشن می شود که قریه تنها به معنی روستا نیست، بلکه هر گونه آبادی و مرکز اجتماع انسانها را اعم از روستا و شهر شامل می شود، و در بسیاری از آیات قرآن نیز این کلمه به "شهر" یا "هر گونه آبادی" اعم از شهر و روستا اطلاق شده است (ناصرمکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۸۳). بنابراین قریه هم

می تواند شهر و هم روستا باشد و ویژگی های هر یک را دارا باشد. در این پژوهش با توجه به آیاتی که از قرآن استخراج شد، قریه جایی است که گناهکاران در آن تجمع کرده اند که ویژگی های آن در جدول شماره چهار آمده است.

جدول ۴. ویژگی های قریه

شماره	ویژگی	آیات مربوط به عین واژگان قریه
۱	خدعه و نیرنگ و خیانت	۱۲۳-۱۲۲ انعام، ۵۶-۶۵ اسراء، ۳۸-۵۷ حج
۲	دنیاپرستی و دلبستگی به زندگی مادی	۱۳۰-۱۳۱ انعام، ۱۱۶-۱۱۷ هود، ۵۸-۶۰ قصص، ۱۲-۱۴ محمد، ۹-۱۱ حجر،
۳	فسق و فجور	۱۳۰-۱۳۱ انعام، ۱۰۰-۱۰۸ هود، ۱۴-۴۰ عنکبوت، ۱-۱۰ حشر
۴	حاکم شدن دنیاپرستان بجای فاضلان بر شهر	۱۶-۱۷ اسراء، ۱۱۶-۱۱۷ هود، ۹-۲۲ اسراء
۵	اسراف، تجاوز از حدود الهی و قانون فطرت	۸۰-۸۴ اعراف، ۱۳-۳۲ یس، ۱-۱۵ انبیاء، ۴۸-۷۷ انبیاء،
۶	نادانی و جهل نسبت به حق	۸۰-۸۴ اعراف، ۲۱-۲۸ احقاف، ۱۱-۱۷ حشر، ۹-۲۲ اسراء، ۱-۱۵ انبیاء
۷	بی نیاز پنداشتن خود و توهم شکست ناپذیری	۶ انعام، ۱۲-۱۴ محمد، ۱-۱۰ حشر، ۱۴۱-۱۵۹ شعراء
۸	ضعف یا بی اعتقادی به اصول دین (توحید، معاد، نبوت)	۶ انعام، ۱-۱۵ انبیاء، ۱۲۳-۱۴۰ شعراء، ۴۱-۶۲ فرقان، ۱۹۲-۲۲۷ شعراء
۹	ضعف یا عدم ایمان گروهی	۹۸-۱۰۰ یونس
۱۰	جبهه گیری و اقدام در برابر حق	۲۱-۲۸ احقاف، ۱۳-۳۲ یس، ۱۴-۴۰ عنکبوت، ۵۶-۶۵ اسراء، ۹-۲۶ کهف،
۱۱	بزهکاری های اجتماعی (بیمان شکنی، دروغ و فریب، ربا، سرقت)	۶۳-۸۲ یوسف، ۱۱-۱۷ حشر، ۵۶-۶۵ اسراء، ۱۹۲-۲۲۷ شعراء،
۱۲	ارزش دهی اجتماعی به اعمال زشت (لواط)	۱۴-۴۰ عنکبوت، ۴۸-۷۷ انبیاء،
۱۳	تفرقه و عدم اتحاد قلبی و ایمانی	۱۱-۱۷ حشر، ۱۰-۲۱ سبا
۱۴	بتخیل (اهل سخاوت و مهمان نوازی نبودند)	۶۰-۸۲ کهف
۱۵	میل به جاودانگی در دنیا	۱۲۳-۱۴۰ شعراء، ۱۴۱-۱۵۹ شعراء
۱۶	افتخار واهی به کثرت اموال و اولاد	۳۱-۵۴ سبا

بنابراین با توجه به آیات ذکر شده و جمع آوری شده، قریه شهری است که مردم آن مومن نیستند و به خدا و روز رستاخیز و نبوت پیامبران ایمان ندارند و منکر و معاند و عصیان گر و ظالم و اهل گناه و ناسپاس هستند؛ خواه در اعتقاد و خواه در عمل، خواه شهروندان شهر و یا حکام و رهبران شهر.

#### مدینه و مصر

مدینه مجتمع زیستی با هویتی است که این هویت، وجود مدنیت، مرکزیت حکومت و همچنین وجود معنویت و هویتی الهی (حتی با حضور یک نفر در آن)، تجلی یافته است (اعراف: ۱۱۱ و ۱۲۳؛ یوسف: ۳۰؛ حجر: ۶۷؛ کهف: ۱۹ و ۸۲؛ شعراء: ۳۶ و ۵۳؛ نمل: ۴۸؛ قصص: ۱۵، ۱۸ و ۲۰ و یس: ۲۰).<sup>۱</sup> در فرهنگ فارسی معین و عمید، واژگان مصر مترادف با شهر و یا حد میان دو چیز (زمین) در نظر گرفته شده است<sup>۲</sup> و در فرهنگ واژگان قرآن مصر مترادف با شهر گفته شده است.<sup>۳</sup>

۱. نقی زاده، شهراسلامی از اندیشه تا ظهور، ص ۸۴

۲. فرهنگ فارسی معین و عمید، ذیل "مصر"

۳. فرهنگ واژگان قرآن، ذیل "مصر"



جدول ۵. آیات مربوط به واژه مدینه و مصر و ویژگی های آنها

واژه مدینه	
ویژگی ها	آیات مربوط به واژه مدینه
۱ شهر محل وقوع اتفاقات اجتماعی و تجمع مردم در فضاهای شهری <sup>۱</sup>	آیات ۱۰۳ تا ۱۲۶ اعراف
۲ اعتبار مردم شهر در عقل و تمدن (جاهل و عوام و ناآگاه نیستند) <sup>۲</sup>	آیات ۲۲ تا ۳۴ یوسف
۳ اهمیت برگزاری اجتماعات مدنی برای تصمیم گیری	آیات ۴۹ - ۸۴ سوره ی حجر
۴ مدینه می توان ضاله باشد: گناهکار بودن مردم شهر حضرت لوط	آیات ۶۰ - ۸۲ کهف
۵ ارزش شهر به ارزش های جاری در زندگی مردم وابسته است <sup>۳</sup>	آیات ۱۳ - ۳۲ یس
۶ مبنای ارزشی تعقل و فهم مردم شهر و خداپاوری آنها <sup>۴</sup>	آیات ۱۰ - ۶۸ شعراء
۷ مبنای ارزشی گرایش اجتماعی در شهر: طرفدار موسی/طرفدار فرعون	آیات ۱۵ - ۲۱ قصص
واژه مصر	
۱ مردم مصر نافرمان خدا و مستحق نزول ذلت اند (مفهومی نزدیک به قریه)	آیه ۴۹ - ۶۱ سوره بقره

بنابراین بر طبق جدول بالا مدینه شهری است که در آن تمدن و مدنیت و قانون وجود داشته باشد و این مدنیت می تواند وجه مثبت یا منفی داشته باشد و رو به سوی مدینه فاضله یا ضاله داشته باشد و یا هر دو وجه را دارا باشد. اما بر طبق آیه ۶۱ سوره بقره مصر قریه ای می باشد که مردم آن ناسپاس و نافرمان هستند و مدینه ضاله را شکل می دهند.

با توجه به آنچه در این قسمت بیان شد، بلد، آرمانشهری است که مردم مومن و پرهیزگار در آن زندگی می کنند و دارای عمل صالح می باشند، قریه، "مدینه ضاله، فاسقه یا جاهله ای" است که افراد کافر در آن زندگی می کنند و به خدا در اعتقاد یا عمل ایمان ندارند و ظالمانه و به دور از عدالت عمل می کنند و سرگرم گناه هستند. ولی مدینه جایی است نه مانند بلد وجه مثبت دارد و نه مانند قریه وجه منفی بلکه خنثی است و فقط وجه شهریت و تمدن آن مطرح است؛ هر دو گروه در آن زندگی می کنند و ممکن است به هر دو سو تمایل داشته باشد یا یکی از دو حالت قریه و بلد را بگیرد. مدینه محل تجمع مردمی است که فارغ از مبانی ارزشی حاکم بر اندیشه و رفتارشان، در هر صورت با قانون و مدنیت در کنار هم زندگی می کنند. خواه این مدنیت وجه مثبت داشته باشد و رو به سوی مدینه فاضله و بلد داشته باشد و خواه این مدنیت جنبه منفی داشته باشد و جهت گیری آن به سمت مدینه ضاله باشد. همچنین مصر قریه ای است که مردم آن کفور و ناسپاس و عصیان گر هستند.

## بحث

شهر نهادی است که جانی(ساختار فرافیزیکی شهر) دارد و کالبدی(ساختار فیزیکی). شهر شرعی جان شهر محسوب می شود و شهر عرفی کالبد آن. شهر شرعی باید قانون، حاکم و مردم داشته باشد تا شهر به حساب بیاید. شهر عرفی اسلامی نیز شهری است با حاکمیت قانون عدل توحیدی، رهبری الهی و مردمی مطیع و حامی.

۱. نکته: حتی حرفه های خاص، همچون جادوگران ماهر همه در شهر حضور دارند که نشان دهنده تنوع شغل در مدینه است؛ آیه ۱۱۱ اعراف (داستان فرعون و ساحران و خیر کردن اهالی شهر).

۲. آیه ۱۲۳ اعراف

۳. آن جایی که شهر به ساکنان (بد(عدم مهمان نوازی و غریبه نوازی و بخل) برمی گردد از قریه نامبرده شده و هنگامی که به دو کودک و پدرشان بر می گردد که انسان های صالحی بوده اند، شهر مدینه می شود.

۴. وقتی درباره ی مردم کافر و معاند صحبت می کند آن شهر قریه می شود و وقتی از آن مرد مومن و حق طلب یاد می کند اشاره به مدینه(فاضله) دارد.

اجماع نظر شرق شناسان (گراپار، بمت، حکیم و...) درباره کلیت شهری اسلامی، در قالب نظام منطقه بندی شهر اسلامی و نیز ارکان کالبدی و غیر کالبدی شهر اسلامی، به طور خلاصه و به ترتیب در جدول شماره ۶ و ۷ آمده است.

جدول ۶. نظام منطقه بندی شهر اسلامی از نگاه شرق شناسان

مناطق شهری	عناصر شهری مهم در هر منطقه
مرکز شهر (اتحاد بعد مادی و معنوی)	مسجد جامع + بازار مرکزی + مدرسه + ارگ حکومتی
محله (جدایی مبتنی بر خرده هویت ها)	مسجد محلی   بازار محلی   حمام   منازل مسکونی
حومه	بازار دوره ای ... باغات ... گورستان

جدول ۷. ارکان شهر اسلامی از نگاه شرق شناسان

ارکان شهر	زیرمجموعه ها	مصادیق
کالبدی	دسترسی خدمات شهری استحکامات	معايير اصلی (گذر، راسته پیوند دهنده مرکز، محلات و حومه) معايير فرعی (کوی و معبر محلی) مهمان سرا و کاروان سرا، حمام، آب انبار، گورستان حصار و بارو، برج، دروازه، دربندهای محله
غیر کالبدی	امت (همبستگی ذهنی و عینی افراد جامعه) نهاد های اجتماعی حاکمیت	مناسک و عبادات (نماز جماعت، نماز جمعه...) وقف، اصناف، خانواده، ... حاکم، دیوانداران، نظامیان، شرطه و...

در خصوص جداول فوق باید گفت که برخی از این ویژگی ها در حال حاضر وجود دارد و برخی دیگر به دلیل عدم نیاز شهروندان منسوخ شده است و برخی نیز تبدیل به کاربری دیگری شده است. با توجه به مبانی دین اسلام و مقایسه آن با نظریات شرق شناسان به این نتیجه می رسیم که برخی از نظرات شرق شناسان با مبانی دین اسلام مغایرت دارد و این اختلاف نظر به دلیل نبود شناخت کافی و درست از دین اسلام و تفکر و تمدن اسلامی می باشد و مطالعات آنها عمدتاً با نگاه از بیرون و همچنین نگاه از بالا و منفی نگر بوده است. به عنوان مثال در شهر آرمانی اسلام بر خلاف نظریات شرق شناسان کاخ وجود ندارد زیرا فاصله ای میان حکومت (حاکم) و مردم نیست و اختلاف طبقاتی وجود ندارد و ... از طرف دیگر برخی از شرق شناسان (سوواژه، گراپار، گوستاو فن گرونه بام و...)، شهر اسلامی را فاقد ساختار و نظم و همچنین یگانگی اجتماعی و مدنی می دانند در صورتی که شهر اسلامی به معنای واقعی کلمه یک امت واحده است و دارای وحدت ساختاری و انسجام درونی است که در این نظام واحد همه با یکدیگر برادر هستند و تنش و تضادی میان آنها وجود ندارد و آنها برای هدف مشترک (قرب الهی) با یکدیگر تعاون و همکاری دارند. بنابراین در کل مهمترین ویژگی شهر اسلامی، ویژگی اخلاقی و رفتاری مردمان شهر و همچنین وحدت مردم (داشتن هدف واحد: قرب الهی) و امت بودن آنها و انس و الفت مابین آنهاست که در بیشتر متون شرق شناسی به آن اشاره نشده است و بیشتر به ظواهر (عناصر کالبدی و ...) اکتفا شده است و ضرورت ایجاد می کند که از نگاه اندیشمندان اسلامی بومی به مقوله شهر نگریسته شود و ویژگی های آن دوباره بازنگری و مرتب شود.

جدول شماره ۸ به مقایسه و تطبیق نظریات جدید شهرسازی با نظریه مطروحه در متون اسلامی درباره ی شهر پرداخته است که برخی از این اصول همدیگر را تایید و برخی دیگر با هم مغایرت دارد ولی آنچه به طور کلی به نظر می رسد این است که نظریه مطروحه در متون اسلامی درباره ی شهر، با جدیدترین نظریات شهرسازی و انسانی ترین آنها همپوشانی دارد و کلیه نیازهای انسان (نیاز نباتی، حیوانی، عقلانی و فوق عقلانی) را پاسخ می دهد.

جدول ۸. مقایسه چند نظریه مطرح جهانی با تفکر اسلامی درباره ی شهر

تئوری شکل خوب شهرلینچ	دهکده شهری آلدوس ۱۹۹۵ م	نوشهرگرایی ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶ م	شهر اسلامی
کارائی و عدالت	هوشمندی مکانی اولویت با توسعه درون شهری	-	عدالت محوری همبستگی اجتماعی در زندگی شهری پرهیز از تفرق و پراکنده رویی
دسترسی: تنوع- عدالت- کنترل در دسترسی	سیستم حمل و نقل کارآمد: شبکه ارتباطی منسجم کاهش وابستگی به اتومبیل شخصی حمل و نقل عمومی تاکید بر تردد پیاده و دوچرخه	پیاده مداری شبکه ترافیکی پیوسته حمل و نقل عمومی	عدالت و عدم اسراف دسترسی برابر و راحت: عدل عدم اسراف در مصرف منابع ارزش وقت
تناسب: سازگاری و تطبیق انطباق رفتار و شکل در بسترهای رفتاری محیط سازگار: ثبات و برگشت پذیری	تنوع کاربری: اختلاط کاربری و فعالیت تعادل بین صنعت و کشاورزی تلفیق سکونتگاه شهری و روستایی خودکفایی برای تامین نیازهای روزمره به صورت پیاده محله خودکفا	کاربری های مختلط	اصالت فرد + ارزش جامعه احترام به تکثر و همزیستی انسانی
معنی: هویت و ساختار(کالبدی)، سازگاری، شفافیت، خوانایی، قابل تشخیص، سامان یافته، قابل درک و با اهمیت	انسجام کالبدی: تصویر سازی ذهنی فضای زندگی هویت مکانی رعایت ارزشهای بصری در طراحی	گونه های مختلف مسکن حفظ و تقویت ساختارهای سنتی شهری	هویت توحیدی معنی و سازگاری و انسجام در کالبد شهری
سرزندگی: بقاء(پایداری) سازگاری(هماهنگی) ایمنی سرزندگی و سلامتی	عرصه های عمومی فعال تعاملات اجتماعی، آرامش، سرزندگی فضاهای پیاده محور اجتماعی شبکه فضاهای سبز پیاده و دوچرخه	حفظ و تقویت فضای باز	مناسک: عرصه عمومی فعال و سرزنده جهت عبادت های اجتماعی مشارکت های اجتماعی تعاون در امور انسانی و اسلامی
نظارت و اختیار	فرم شهری فشرده استفاده موثر از زمین کاهش فشار توسعه بر اطراف شهر کاهش انرژی مصرفی کاهش سفر با اتومبیل شخصی بهبود کیفیت محیط زیست	افزایش تراکم در بافت توجه به بافت ارزشمند تاریخی	توجه به محیط ضرورت حفظ جان و سلامتی عدم اسراف در هرگونه مصرف تکریم طبیعت و همزیستی با آن
مشارکت اجتماعی: اجتماع محلی فعال و حساس تشکیل گروه های ذی نفع جذب مشارکت مردم (اعتمادسازی)	مشارکت اجتماعی: اجتماع محلی فعال و حساس تشکیل گروه های ذی نفع جذب مشارکت مردم (اعتمادسازی)	مشارکت ساکنان	تعاون مفهومی اسلامی، بالاتر از مشارکت (مشورت و همیاری و ...)
خودتکایی و خودکفایی نسبی ایجاد فرصت کار و زندگی اختلاط کاربری	خودتکایی و خودکفایی نسبی ایجاد فرصت کار و زندگی اختلاط کاربری	-	امت واحده مسلمان: عزت نفس پرهیز از تکیه به غیر استقلال و خودتکایی

با مقایسه و تطبیق نظریات جدید شهرسازی با نظریه مطروحه در اسلام به این نتیجه می رسیم که شهر اسلامی، شهری است که حدود و ثغور آن مشخص است و پراکندگی بیش از حد( تجاوز به حریم حومه) و فشرده گی بیش از اندازه(افقی و عمودی) در آن مذموم است بنابراین در این شهر می توان به راحتی و بدون استفاده از وسایل نقلیه(پیاده روی) به خدمات مورد نیاز(تنوع کاربری) به

طور مساوی دسترسی پیدا کرد و از محیطی امن و پاک و ایمن بهره برد که این ویژگی‌ها اصل عدل، تعادل و کارایی در شهر را تأیید می‌کند. شهر اسلامی شهری وحدت‌گرا است زیرا اسلام دین توحید است و بر وحدت نظری و عملی، وحدت شکل و محتوا و تناسب میان آنها در عین تکثیر و تنوع تأکید دارد. همچنین اسلام بر مدارا و سازگاری (سازش) و هماهنگی با هستی (جهان پیرامون) تأکید می‌کند که رعایت این امر، موجب پایداری محیط و جامعه می‌گردد و آرامش و امنیت و شادی را برای ساکنان شهر به ارمغان می‌آورد و زمینه تعاون و همکاری و مشارکت را فراهم می‌کند. یکی از راهکارهای اسلام برای همزیستی با مردم، و پایداری و امنیت محیط رعایت حریم در مراتب مختلف آن می‌باشد نظیر حریم افراد، حریم کاربری، حریم راه‌ها (راه‌های برون شهری و درون شهری)، حریم مسکن، حریم شهر، حریم شهرها نسبت به یکدیگر (رعایت سلسله مراتب شهری) و ... می‌باشد. همچنین اسلام برای حفاظت از روح و جان انسانها و حفظ سلامتی و سرزندگی آنها، اصول و قوانین مختلفی از جمله نظم، عمران و آبادانی و حفاظت از محیط زیست، رعایت حریم در عرصه‌های مختلف و مراتب گوناگون، حفظ امنیت و برقراری معنویت، رونق اقتصادی (اقتصاد سالم و پویا)، قاعده‌ی عدم اضرار و ... را توصیه کرده است. بنابراین با توجه به آنچه از مطالعات استخراج گردید و جمع‌بندی نظریات حاضر درباره‌ی شهر اسلامی، ساختار شهر اسلامی و ارکان آن در جدول شماره ۹ و ۱۰ آمده است:

جدول ۹. ساختار کالبدی شهر اسلامی؛ نظام منطقه بندی عناصر شهری با توجه به قرآن و روایات

مشخصات و ویژگی‌ها	راهکار پیشنهادی
ارتباط نزدیک و صمیمانه همسایگی‌ها	محله بندی بر اساس رابطه خویشاوندی پرهیز از تکبر و تفرعن در ساخت مسکن (درون گرایی) مشارکت و تعاون ساکنین محله در امور خیر و نیک وحدت شکلی محله
هویت دهی به محله و اتحاد و مشارکت در امور	پرهیز از بیگانه گرایی (تشابه به غیر) رعایت حریم‌ها و قلمروها برای نظم امور حریم مسکن، راه، مسجد، انسان، کاربری‌ها و .. طراحی و ایجاد مسجد در مرکز محله و سایر کاربری‌ها در اطراف آن ارتفاع و تراکم مناسب ساختمانی عدم اشرف و انسداد دید اندازه محله: دایره ای به شعاع ۴۰ منزل از مرکز محله (مسجد)
رعایت حقوق فیما بین	تنوع کاربری و سبزی‌نگی محله حضور عرصه‌های عمومی فعال جهت انجام امور اجتماعی خودکفایی و استقلال محله و دسترسی به خدمات استفاده از زمین‌های بلااستفاده در درون محله
محله	غفلت زدایی از محله و یادآوری ذکر و یاد خدا تامین افق باز در محله برای ارتباط با آسمان دسترسی محلی (امنیت و آرامش و آزادی) مسکن آرام و امن و پاک و سالم
سرزندگی محیط محله	تنوع کاربری و سبزی‌نگی محله حضور عرصه‌های عمومی فعال جهت انجام امور اجتماعی خودکفایی و استقلال محله و دسترسی به خدمات استفاده از زمین‌های بلااستفاده در درون محله
عدالت دسترسی پرهیز از اشرف	حضور فضاهای مادی و معنوی در کنار یکدیگر مسجد جامع (اعظم) در مرکز شهر کاربری‌های مختلف در اطراف مسجد (آموزشی، تجاری و بهداشتی و درمانی و...) بر طبق اصل لاضرر و لاضرار (عدم تفکیک کاربری) رعایت حریم و سلسله مراتب عملکردی تراکم مطلوب شهری و اختلاط کاربری هسته مرکزی خدماتی در شهر ساعات کاری مرکز شهر: از طلوع تا غروب آفتاب
پیوند مادیات و معنویات جهت غفلت زدایی	همنشینی کاربری‌های متنوع پیاده‌مداری در شهر دسترسی مساوی (عادلانانه) به خدمات شهری بهداشت فردی و اجتماعی (رعایت بهداشت و سلامت محیط)
مرکز شهر	توسط پرداخت حقوق واجب مالی خودکفایی بازار داد و ستد بازار با حومه
رونق اقتصادی شهر	رونق اقتصادی شهر

آموزش کسب حلال و اهتمام به آن	همجواری فضای آموزش دینی و تجاری
ارتباط متقابل شهر با حومه	صادرات و واردات متناسب نیازهای شهر و حومه
حومه	حومه تامین کننده ی نیازهای اقتصادی روزمره شهر
	شهر تامین کننده ی فرهنگ حومه
	کنترل اندازه شهر توسط حومه
حفاظت از محیط زیست شهر توسط حفاظت از حومه	حومه کمر بند سبز فعال اطراف شهر می باشد.

### جدول ۱۰. ساختار شهر اسلامی، ارکان غیر کالبدی با توجه به قرآن و روایات

ارکان غیر کالبدی: مردم(امت)، حکومت(حاکم) و قانون	
اعتقادات و عبادات	پرستش خدا و اطاعت از او، ایمان و توکل به او، عدم شرک، یقین، خالصانه کارکردن
فردی	برای خدا، رعایت حلال و حرام الهی؛ تقوا و عمل صالح
انجام عبادات اجتماعی	نماز جماعت، زکات، احسان و انفاق، خمس
اخلاقیات اجتماعی	وفای به عهد، امانت، شهادت دادن به حق، عدم تبختر، خودبزرگ بینی، عفت و عزت و رعایت حریم و پوشش، فقدان فاصله طبقاتی بین مردم، عدم تجسس و تمسخر و غیبت و ربا و ربا و نذول، تعاون و همیاری، قیام در برابر ظلم و دفاع از مظلوم، نهی بدعت، رعایت عدل و انصاف
مردم(امت)	
اجتماع کامل از طریق عقد پیمان برادری	رعایت حق الناس، مالیات
حقوق اجتماعی	حضور و مشارکت همیشگی در اجتماع مسلمانان(اتحاد) امر به معروف و نهی از منکر
التزام اجتماعی	عدم سرکشی و طغیان
پیوند اجتماعی	الفت بین افراد و مهربانی با یکدیگر، خوش اخلاقی و خوش رفتاری، راستی و درستی
همزیستی	ازادی بیان و عقیده، مشورت و شورا، روابط اجتماعی برادرانه
اخلاق فردی	اعتدال در همه ی امور؛ شکرگزاری؛ مقام تسلیم و رضا؛ اهل صبر؛ آرامش و شادی؛ مدارا و سازش؛ استقلال و خودکفایی
حاکم عادل، موحد، دانشمند	
حاکم الهی	رابطه پدری بین حاکم و مردم؛ مهربان/دلسوز/ مدارا و سازش/خبرطلب
قانون	حاکمیت قانون الهی: کلام الهی، قول و فعل معصوم
	قانون مدنی منطبق با آن

### نتیجه گیری

با توجه به تحقیقات انجام شده در زمینه شهر اسلامی و همچنین با توجه به ویژگی های شهر معاصر که بر همگان واضح و روشن می باشد؛ به این نتیجه رسیدیم که آنچه امروزه به شهر اسلامی لقب گرفته است، شهر اسلامی نیست. در اصل ما شهر اسلامی به معنای واقعی کلمه نداریم. شهر اسلامی واژه ای است که شرق شناسان آن را جعل کردند و پاره ای از ویژگی ها را درباره ی شهرهایی که با آن برخورد داشتند (نه همه ی شهرهای مسلمانان) بیان نمودند و به شهر اسلامی نسبت دادند. در صورتی که این ویژگی ها برخی به اقلیم و برخی به فرهنگ و آداب و رسوم مردم و برخی نیز به فرهنگ اسلامی التقاطی باز می گردد. فرهنگ اسلامی التقاطی یعنی فرهنگی که به درستی با متون اسلامی ارتباط نداشته و ناخالصی دارد و با فرهنگ مادی و زمینی دوره های متفاوت مخلوط شده است. برخی از ویژگی های بیان شده از سوی شرق شناسان درباره ی کالبد شهر اسلامی می تواند تایید شود ولی همه ی نظریات آنها با توجه به نظریات مطروحه در متون اسلامی مورد تأیید نمی باشد زیرا نگاه آنها بدبینانه و از بیرون و کم عمق می باشد. همچنین نظریات جدید و مطرح و مهم شهرسازی نظیر دهکده شهری، تئوری شکل خوب شهر لینچ، نوشهر گرایی، توسعه پایدار و ... در بسیاری از نقاط با نظریه مطروحه در متون اسلامی توافق دارد و در برخی از موارد اسلام از این نظریات نیز پیشی گرفته است و جنبه های بیشتری را مورد بررسی و توجه قرار داده است و موارد کامل تری را در زمینه های مورد بحث (زمینه مشارکت، حریم، سلامت محیط، تعاملات اجتماعی، مرکزیت و ...) مطرح کرده است.

با توجه به جمع بندی مطالعات داخلی انجام شده در زمینه شهر اسلامی و استخراج مفاهیم شهر از قرآن و روایات برای ایجاد یک شهر اسلامی واقعی که همان آرمان شهر اسلامی، مدینه فاضله و یا بلد خواهد بود، باید از اندیشه ها و افکار جاهلیت هجرت

کرد و وارد وادی ایمن و قلعه ایمان شد. شهری که در آن مسلمان واقعی وجود ندارد یعنی مسلمانی که مومن باشد و متخلق به اخلاق اسلامی باشد و دارای عمل صالح باشد، شهر اسلامی نیست. باید سبک زندگی را به روش اسلامی اصلاح کرد شهر خود به خود شکل شهر اسلامی را خواهد گرفت.

شهرهایی که ما در حال حاضر در آن زندگی می کنیم هیچ ارتباطی با اسلام برقرار نمی کند اگر چه که به ظاهر واژه اسلامی را یدک می کشد و ما نیز عنوان مسلمانی را به خود نسبت می دهیم زیرا افکار و اعمال مان با اسلام حقیقی فرسنگ ها فاصله دارد. در شهرهای اسلامی ما چه چیزی به چشم می خورد و به نظر می آید؟: طنین صدای اذان در اوقات نماز در سطح شهر و بستن صفوف جماعت در تمامی نقاط شهر و توقف همه ی کارها برای اقامه نماز یا بی توجهی به آن ، صفا و صمیمیت و هم بستگی میان شهروندان علی الخصوص اهالی یک محله یا غربت و بی تفاوتی و سردی و عدم ارتباط میان همسایگان، دروغ و دزدی و ربا و ریا و رشوه و ... در امور اقتصادی یا کسب روزی حلال و طیب و پاک و همچنین پرداخت حقوق مالی واجب نظیر خمس و زکات، فقدان طبقاتی یا فاصله طبقاتی، اتحاد و همدلی و مشارکت فعالانه مردم یا پراکندگی و تفرقه و نفاق و ...، انفاق و احسان به یکدیگر یا بخل و حسد و کینه و تنگ نظری نسبت به هم، تعاون و همکاری در امور خیر یا مشارکت و همکاری در امور شر و اثم، رفاقت و برادری یا دشمنی و ظلم و ...، ساده زیستی و خضوع و خشوع و ... یا تفرعن و تفاخر و خودبزرگ بینی و خودپرستی و ...، سبقت در مال اندوزی مخصوصاً در میان حاکمان شهر به جای سبقت در کار خیر و عمل صالح و ...، نامهربانی با مردم و بی تفاوتی در مقابل سرنوشت یکدیگر یا مهرورزی ، فساد در زمین (فساد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی، کالبدی نظیر تراکم فروشی و ... ) به جای آبادانی و عمران زمین، آزادی عقیده یا خفقان، نظم یا بی نظمی، مرکزیت مسجد در شهر و محله یا بی توجهی و کنار بودن آن، عدالت یا بی عدالتی، رعایت حریم در شهر و بیرون شهر (حریم کالبدی - اجتماعی - زیست محیطی و ...) یا عربانی و تجاوز نسبت به حرائم و ... .

در صورتی که شهری که بر اساس تفکر اسلامی شکل می گیرد، شهری است که حاکم آن خلیفه الله یا نماینده ی اوست، مردم آن مومن هستند و به این ایمان خود وفادار و پای بند هستند و به آن عمل می کنند و قانونی که در این شهر اجرا می شود و مردم به آن عمل می کنند، قانونی الهی و اسلامی است که براساس قرآن و قول اهل بیت شکل گرفته است. مردم این شهر یک امه واحده هستند که با هم پیمان برادری بسته اند تا در کنار هم برای تحقق هدف اسلام (قرب الهی و بندگی او) و محقق شدن آرمان شهر اسلامی، تلاش کنند و در این راه با هم همکاری و تعاون کنند. بنابراین تا مردم مومن نشوند و سبک زندگی ایمانی نداشته باشند و حاکمان نیز این گونه نباشند و قانون الهی حکم فرما نباشد، شهری که توسط اینان بوجود خواهد آمد شهر اسلامی نخواهد بود ولو کالبد آن در ظاهر اسلامی باشد . پس برای بوجود آوردن یک شهر اسلامی، نباید تنها به سراغ کالبد برویم و مانند شرق شناسان بگوییم شهری که این اجزا و ارکان را داشته باشد، اسلامی خواهد بود بلکه باید به دنبال باطن شهر نیز برویم و روح آن را نیز اسلامی کنیم. روح شهر از مردم و حاکم شهر و قانون آن تشکیل شده است که برآیند آن کالبد خواهد شد و تا این درست نشود، آن نیز درست نخواهد شد.

## منابع و مأخذ

- اراکي، محسن. (۱۳۹۷). *فقه عمران شهری*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بحرینی، حسین، ولدخانی، حامد. (۱۳۹۷). *دهکده شهری: الگویی برای سکونتگاه پایدار*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: فرهنگستان هنر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیاة*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حکیم، بسیم سلیم. *شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی*. ترجمه م ملک احمدی و ع اقوامی مقدم (۱۳۸۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دانش، جابر. (۱۳۸۹). *مبانی شکل گیری و اصول سازمان یابی کالبدی شهر اسلامی*. *مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، ۱، ۱۵-۳۱.
- ریمون، آندره. *مقدمه ای بر شهرهای بزرگ عربی- اسلامی*. ترجمه ح. سلطانزاده (۱۳۷۰). تهران: نشر مترجم.
- سجادیان، مهیار، صفایی پور، مسعود. (۱۳۹۴). *جستاری بر تحولات و تطورات مفهوم شهر اسلامی*. *جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس*، ۲۴، ۱۵۹-۱۹۷.
- شاکر، کمال مصطفی. (۱۳۹۲). *خلاصه المیزان* (۴ جلد). مترجم فاطمه مشایخ. تهران: اسلام.

- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۶). *تفسیر المیزان* (۲۰ جلد). ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. عمران زاده، بهزاد. (۱۳۹۴). *تبیین عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام*. رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا. عمید، حسن. (۱۳۹۰). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر. فارابی، ابونصر. *السیاسة المننیه*. ترجمه حسن ملکشاهی (۱۳۸۹). تهران: سروش. فرجام، رسول، سلیمانی مقدم، هادی و چاوشی، اسماعیل. (۱۳۹۰). مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی. *برنامه ریزی منطقه ای*، (۲) ۱، ۲۷-۴۰.
- فلاح، سمیه. (۱۳۹۰). *برساخت شهر اسلامی*. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۳، ۳۵-۴۴.
- قرآن کریم. (۱۳۸۲). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- قمی، عباس. (۱۳۸۲). *فرهنگ واژگان قرآن کریم*. مترجم غلامحسین انصاری. تهران: نشر بین الملل.
- لینچ، کوین. *تئوری شکل شهر*. ترجمه سید حسین بحرینی (۱۳۸۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه* (۲۸ جلد). تهران: دار الکتب الإسلامیه. (کتاب اصلی در سال ۱۳۷۱ منتشر شده است)
- معین، محمد. (۱۳۹۲). *فرهنگ معین* (۶ جلد). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نرم افزار جامع تفاسیر نور (۳).
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۷). *شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)*. اصفهان: انتشارات مانی.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۹). *تاملی در چیستی شهر اسلامی*. *مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، ۱، ۱-۱۴.
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۶). *شهر اسلامی از اندیشه تا ظهور*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Abu-Lughod, J. L. (1987). The Islamic city—Historic myth, Islamic essence, and contemporary relevance. *International Journal of Middle East Studies*, 19(2), 155-176.
- Alsayyad, N. (1991). *Cities and caliphs, on the genesis of arab muslim urbanism*. New York: greenwood press.
- Hourani, A.H. (1970). The Islamic city in the light of recent research in: A.H. Hourani and S.M. Stern, Eds. *The Islamic city*. Oxford, Cassirer: [Philadelphia]university of pennsylvannia press.
- Lapidus, I.M. (1967). *Muslim city in the later middle ages*. Cambridge: Harvard university press.
- Lapidus I.M. (1969). Muslim city and Islamic societies. In: ira M. lapidus, ed. Middle eastern city, a symposium on ancient, Islamic, and contemporary middle eastern urbanism. Berkeley: university of California press.
- Le Tourneau, R., & Clement, B. A. (1961). *Fez in the Age of the Marinides... Translated from the French by Besse Alberta Clement*. Norman.
- Raymond, A. (2005). *Urban Life and Middle Eastern Cities. A Companion to the History of the Middle East*, 207.
- Von Grunebaum, G. E. (2013). *Islam: essays in the nature and growth of a cultural tradition*. Routledge.
- Wheatley, P. (1976). Levels of space awareness in the traditional Islamic city. *Ekistics*, 354-366.
- Wirth, E. (1975). Die orientalische stadt. *Saeculum* 26, 45-94.